



Ketabton.com

## دفتر شورای تعاونی جهاد اسلامی

دفتر شورای ثقا فتی جهاد افغانستان

- این نشر به توسط اعضا شورای ثقا فتی جهاد افغانستان تهیه و نوشته شده است.

- تعداد چاپ ۱۰۰۰ نسخه

## چاپ اول

- شماره عمومی ۲۷

- شماره خصوصی ۶ (رویدادها)

- تاریخ چاپ سرطان ۱۳۶۴ بمناسبت ششمین سالگرد

## قیام چند اول

- حق چاپ و نشر محفوظ به این شوری است

- قیمت یک جلد ۳ کلدار

فصلنامه

بسم الله الرحمن الرحيم

# پیام حسن اول



توام با وقوع کودتای ۷ ثور ۱۳۰۷ که توسط روسها برآمد  
انداخته شد در امور واوضاع کشور دو واقعیت عمده  
پدیدار گردید :

- ۱) پیروی دولت دست نشانده از اصول کمونیستی  
که در نهاد خود ضد دین وبالخاصة اسلام است.
- ۲) عدم کفایت دست اندر کاران این رژیم  
در اجرای امور کشور .

همینکه کمونیست‌های دست نشانده روسیه زمام  
امور افغانستان را بدست گرفتند در سراسر کشور کسانی  
را در راس امور اداره قرار دادند که علناً وقصدانه به  
توهین و یا بمال ساختن اساسات و مقررات دین مجبون  
(۱)

اسلام پرداختند . از طرفی هم چون این اخخاص قادر تعلیمات اساسی ، معلومات کافی و تجربه در امور اداره بودند ، آمده‌اند امور را بسوی هرج و مر ج و بسی لجامی می‌کنند .

چنانچه بپرک کار ملک خود در این امور داشت :  
» در سطوح مختلف اداره « کشور آن تعداد اخخاص ماهر در اداره و ماحبی تخصص که بتوانند صمیمیت شان را به انقلاب با همها رت های حرفی و تیوریک مزج نمایند وجود نداشت . »

مسکو که نقش رهبری کودتای ۷ ثور را بعده داشت بدون شک میدانست که کمونست‌های افغانستان استعداد و لیاقت امور اداره کشور را ندارند و بنا بر آن یقین داشت بلان آن بینی بر مداخله مزید در تماشات امور کشور میسر می‌باشد . همین بود که در ظرف سه ماه بعد از کودتا تعداد مشاورین نظامی روسی از ۳۵۰ تن به ۷۰۰ تن ارتقا یافت . همچنین تعداد کثیروی از « متخصصین » ملکی شوروی که پیش از کودتا در پروژه‌های مختلف در سراسر افغانستان کار می‌کردند بکابل (۲)

احضار گردیدند تابه کمونستهای محلی طرق تدویز امور را دروزارت‌ها بینا موزانندوحقی خود ایشان امیرور وزارت‌ها را بعهده گیرند . جستا نجه نرهیون وقت کمونست‌های داخلی می‌گفتند درسفارت روسیه تشكیلات جدا گانه میرانی اداره مسیر افغانستان بصورت یک کابینه منضم بمعیان آمده بود و هریک از اعضای این « کابینه » امور یک یا چند وزارت خانه وسائل موسات دولتی را پیش میبردند .

نطریه تشا بهات لسانی در اول تاجیک‌ها شوروی وغیره کسانیکه بزبان‌های افغانستان حرف میزدند به نام مشاورین بداخل ارگانهای دولتی جا داده شدند ولی ازانجاییکه روسها نرنها د با این مسلمان که اصل شان مسلمان بود اعتماد نمیکردند ، با تدریج ایشان را باروسها ای اصل عوض کسرد نموده

وسائل عمدیه ناکامی کمونستها حتی نرمرا حل اول دوره گذخرواائی شان را میتوان نرمود ذیسل خلاصه کرد :

- ۱ - با وجود ابلغیه های مکرر شان که اساسات نیسن اسلام را درکنور احترام خواهند کرد بر عمل هر حرکت عمدۀ شان مناقض این اساسات واقع گردید ۰
- ۲ - اتکای عام و تام کمونستها بر کمک های مالی و مذکور روی روسیه ۰
- ۳ - ایشان از عنعنه ات و واقعیت های زندگی مسخردم افغانستان مخصوصاً روستائیان فهم نداشتند ۰
- ۴ - کمونست های داخلی از بروگرام دقیق و پلان شده ۰ رو شما نز مرور د اجرای امور افغانستان اطلاعی نداشتند ۰
- ۵ - فساد در میان کل حزبی نرم دست کوتاهی با وجود هبود رسید ۰  
امضا آنجی بنام معاہده دوستی میان رژیم نست نشانده و روسیه نر سپتامبر ۱۹۷۸ بعمل آمد ۰ علناً ثابت ساخت که کمونست های داخلی از خود صلحیتی برای پیشبردا مور کشور ندارند ۰ این رویداد های اسف انگیز نست بدست هم داده و سبب گردید تا از طرف علمای افغانستان نر (۴)

سراسر کشور فتوای جهاد صادر گردید . با اثرا بین  
فتوى بود که مردم افغانستان بقیام های مسلحه  
علیه رژیم ، دست نشانده کابل متوجه شدند . اگر  
چه در نقاط مختلف کشور و مخصوصاً در نورستان ولاست  
کنره، بدخنان و دره<sup>۱</sup> صوف ولاست سندگان حتی در تابستان  
همین . الیکه رویم کمونیزم در افغانستان روی کار  
آمد قیام های علیه آن صورت گرفت ، ولی قیام  
هر . تدبیتاً ریح ۲۴ هوت همین سال یک چرخش عظیم تاریخی را  
در پلان تهاجم روی سیه بر افغانستان بعیان اورد .  
چنانچه ۹ ماه بعد از آن (۱۳۵۸ جدی ) روسها بگونه  
علنی و با سلاح مدرن مستقیماً برخاک افغانستان تجاوز  
بعمل آوردند . حکومت کابل بعوض اینکه از این قیام  
به بتا کتبیک های خود در برابر مردم افغانستان تجدید  
نظر کند واقعه<sup>۲</sup> هرات را بحیث انگلیزه<sup>۳</sup> برای پیروی از  
سیاست های مخاصمه تر و وحشیانه تری علیه<sup>۴</sup> مردم  
مسلمان کشور بکار برد . و صرف ۶ روز بعد ازین قیام  
حفیظ اللمامین که ممثل وحشت و اختناق این رژیم بود  
به قدرت بیشتری نائل گردید و بحیث صدراعظم تبارانز

(۵)

## بافت •

واقعهٔ چند اول و دیگر واقعات مماثل آنرا باشد در پس منظر حقایقی بیان کرد که نرفوق شده‌ای از آن بطور فشرده تقدیم گردید. پیش از قیام چند اول نیز مسلمانان شهر کابل تحت رهنمایی یک‌کعدده تنظیم‌ها و شخصیت‌های اسلامی دست به فعالیتها شیزدند که هدف آن از پا در اوردن نظام کفر والحاد بود.

یکی از برادرانی که در این فعالیت‌ها و قیام چند اول دست داشت شرح این واقعات را به ترتیب ذیل بیان کرده است:

مسلمانان کابل بار اول روز ۲۶ حوت ۱۳۵۷ را به حیث "روز عملیات" علیه‌رژیم کمونیزم در کابل تعیین کردند.

او نمی‌گوید: برادران نظامی ما بسویه‌های مختلف از خورده‌ضابطان و افراد عسکری گرفته تا بسویه دگروال با این قیام ارتباط داشتند. بلان سرتاسری طوری طرح ریزی شده بود که اوله بتاریخ معینه‌ها حسب منصبان مسلمان ارتباطی عنابر ضد اسلام را در داخل (۱)

قطعات خود دستگیر نموده و از بین ببرند و بعداً جانب شهر حرکت نمایند تا با مردم در قیام سرتاسری همکاری ورزند و بدبینگونه حکومت ملحد را سرنگون سازند برای به شمر رساندن نیست این قیام اسلامی مناطق شهر کابل در بین هر ۴دران تقسیم شده بود . و قرار برای این شد که برادران موظف با ساعت ۱۰ صبح همان روز بمناطق معین حاضر شده و همزمان با آغاز بلان توسط برادران نظامی عملیات در تمام شهر کابل آغاز گردد .

او میگوید : شب قبل را درخانه‌ی کی از مسلمانان مبارز سپری نموده و دران جا قران مجید را ختم کردیم فردا صبح بعداً زمراسم دعا ، عازم محل ما موریتھا ی خود شدیم . اما یکی از صاحبمنصبان مسلمان مارا مانع شد زیرا این بلان عملیاتی افتاده شده بود و دولت پر حدود ۵۰۰ نفر از برادران عسکری مارادر — قطعات شان همان روز دستگیر کرد .

او میگوید با وجود ناکامی این بلان  
ما به طرح بلان دیگری

اقدام کردم تابه اساس ان در حداقل جشن کمونستا ن را در ۲ ثور مختلسازیم ولی با تائسف صاحبمنم ارتباطی ما نستگیر شد.

با تحلیل این همه مشکلات و افتاده شدن های پیاپی پلانهای عملیاتی بازهم برایران مسلمان ارام ننشستند. در این وقت آن ها بایکی از برایران مبارز بنام قاضی غلام سخنی قرغزی که خود بنام جمعیت دفاع اسلام عده از برایران مسلمان را بدور خود جمع کرده بودند تعاون قایم کردند. شهید قاضی قرغزی در زمینه سازمان نهی فعالیت خوبی نموده بود او با ولایات نیز ارتباط قایم کرده بود و صاحب تیشكیلات مطمئن بود او و همکاران او طرح بلان وسیع نظامی را علیه حکومت کفر والحاد ریخته و یک شورای انقلابی راهنم بیان اورده بودند. اما یکی از اعضای شورا که از عمال دولت دست نشانده بود، تمام جریان را به دولت اطلاع میدهد و قاضی موصوف را با تمام افسردار ارتباطی عسکری در روز معینه نستگیر میکنند.

بار دیگر با پکعده برادران نیگر تعاون قایم کردیم.

که از انجله یکی هم مولوی شفیع الله بود. (۱)

در این مقاومت برادران جمعیت اسلامی افغانستان و حرکت انقلاب اسلامی نیز شامل بودند. برای آگاه ساختن برادران به اینکه عملیات خود را آغاز کنند میباشد تا اعلان مفقودی از طریق را بیو نفر میشند و این کار صورت هم گرفت و همزمان با این عملیات در لوگر وده سبز آغاز یافته این قیام های پیاپی هر کدام برای بیدار گردانیدن مردم اثرات مفیدی بجا گذاشت. با طرح پلانهای متعدد و خشنی شدن ائمه توسط دولت و مسلمانان بفکر عملیات وسیعتر را سازماندهی نرست تری شدند تا بتوانند به موفقیت چشم گیری نائل گردند و این پلان همانا قیام چندما ول بود.

بر پلان قیام چند اول برادران حزب اسلامی

---

۱) قوماندان مولوی شفیع الله در اوائل امسال در کوه مافی به شهادت رسید. (۹)

جمعیت اسلامی، حرکت انقلاب اسلامی و حرکت اسلامی -  
هم اشتراک داشتند . روز عملیات ۲ سرطان ۱۳۵۸ تعبیین  
وقراربرین شد تا این عملیات با انفجارها متمددی  
دریک زمان در تمام نقاط شهر کابل آغاز گردد . این  
بمما می‌ساعتی راعمرجان شهید ساخته بود (۱) .

بيانیه که بعد از پیروزی از راهپیغش می‌شد  
نیز ثبت شده بود . اما یکی از بندها که قرار بود به  
ساعت ۱۰ صبح منفجر شود در منطقه نزدیک پل باغ  
عمومی پیش از وقت منفجر شد در اثر ان سراسیمگی  
و هشت در منطقه مستولی گردید خلیفه به طرف گریزان  
شدند . دولت تمام راههای معمر را در نقاط شهر مسدود  
ساخت .

قسمت بعدی این واقعه را مجاهدین نیگرانین طور  
بيان می‌کنند در حالیکه این قیام یک حرکت محدود  
به چند اول نبوده وهدیف آن از پایرانداختن رژیسم

(۱) عمرجان شعید در واقدمه چند اول سهم با رزی داشت و در  
همین قیام بشهادت رسید . (۱۶)

کمونیزم نرکفتو بود مجاھین حمله بر ما موریت پولیس  
چند اول را بحیث مهره مهمس نرپیشبرد امور مربوط  
به این قیام میهند اشتند .

بکروز پیش از آغاز این قیام گردانند گان آن  
مطلع شدند که عمال رژیم کمونیزم نرمقوف اینسان رخنه  
وارد کرده و اسرار پلان شان را بعکومت افشا کردند اند  
وینا بران بعموم شبکه های خود را امر مادر کردند تا  
از تطبیق پلان مربوط به آغاز قیام خود نامه و وزند.  
ولی ایشان نتوانستند این هدایت را به گروهی مادر -  
کنند که موظف به آغاز قیام تواند حیمه چند او را بودند  
شخصی که موظف به انجام حمله بر ما موریت پولیس  
چند اول بود میگوید :

مجاهین مطابق به پروگرام درست بساعت ۱۰ صبح  
روز شنبه ۲ سرطان ۱۳۵۸ بر ما موریت پولیس چند اول -  
حمله بر دند ، در داخل دروازه ما موریت چهار نفر پولیس  
سلح با کلاهینکوف نیستند بودند مکنی از مجاهدین  
تفنگچه اش را بالای سینه مکن لازم بولمیعنی ما گذشت  
به او گفت :



"ما مسلمان هستیم تسلیم نو!" او ویگر  
 هر آهانش بلا درنگ دست‌های غائز را بالا کردند و یک  
 مجاهد دیگر این چهار پولیس را خلع سلاح کرد. درین  
 وقت مجاهدین دیگر رسیدند و نعره<sup>۱۰</sup> الله اکبر بلنگ عد  
 کنانه که با کلاه‌نکوف‌ها ی غنیمت مسلح بودند در —  
 مدخل ما موریت پولیس شروع به پاسخانی کردند و —  
 نیگران داخل ما موریت شدند. در داخل ما موریت تمام  
 پولیسها فی الفور تسلیم شدند صرف یک ٹاپه خلق‌ی  
 از تسلیم عدن ابا<sup>۱۱</sup> ورزید که بجزای عمل خود رسید.  
 سهی خود پولیس‌ها ی ما موریت نیبوی اسلحه را بازار  
 کردند و ازان جا ۴۰۰ میل سلاح مرکب از ماغنیت‌دار —  
 کلاه‌نکوف و تفنگ<sup>۱۲</sup> ۳۰۷ بدست مجاهدین افتاد که ان را  
 میان خود تقسیم کردند و بجا هائیکه بر ایشان نستور  
 داده شده بود اخذ موقع نمودند.

اجتماع مردم نیز در این وقت در اطراف ما موریت  
 پولیس خیلی زیاد عد. مردم غمار میدادند "مرنگ  
 بو تره کی" "مرنگ بیرونیه" زنده باد اسلام •

واین شعارها که با نعره های کفر سیز الله اکبر  
توأم بود شهر کابل را بلوزه در آورده بود .  
یک شاهد عینی نمگوید : " تانکهای  
غولپیکر با توبهای شتمل اطراف بر ایران مجاہد  
را محاصره کرده بود کمونستها به انداخت تو ط  
توب و لعنه که شروع نمودند و موتراها گزمه با تانک  
های محاربی بحرکت در آمده بپر حمانه به کفتار شروع  
نمودند . کمونستها بر هر کسی فیر میگردند از پل ارسان  
تا پل محمود خان و بل باع عمومی تحت محاصره قوای -  
دولتی قرار گرفت و مرحوم عمر شهید با یک تعداد هیج  
قطار انش به شهادت رسیدند . در مقابل مغازه قاری  
امان نسوانی در ندان ریپشتوون وات دشمنان در موتراهای  
سر باز و تانکهای محاربی در میان مردم که اکثر برای  
بسما انتظار داشتند فیر نمودند ، و در قسمت های مختلف  
شهر به تلاشی موتراها و مردم شروع کردند ، یک تعداد زیاد  
مردم را بدون استناد به موتراها انداخته به جاهای  
نا معلومی برداشتند . "

نرخود چند اول اوضاع وخیم تر شده میرفت. حکومت کابل با تعدادی از تانکها و عسما کر پیاده اطراف ما مورت بولیس آنجا را محاصره کرد و در آغاز اوضاع را ازد ور نظاره میکرد. بعد تانکها نزدیک شده شروع به مقابله کردند. مجاهدین راه اسلام باشها مت تمام به مقابله دوام دادند. بالآخر حکومت دست است نشانده قوه تازه نفسی را پیاده کرد که مسلح باها و انها بود که با انها ماموریت را تخریب کردند و مجاهدین مجبور به عقب نشینی شدند. درین طرف ماموریت تانکها ثی مستقر بودند که در حقیقت مطابق به بلان اول میباشد. سرمهیان تانکها به مجاہدین همکاری میکردند. سرمهیان نهایت تانکها به مجاہدین موقع نداشتند از منطقه بدو روشن ند.

حکومت طی ابلاغیه که بتاریخ ۲ سرطان از زراییو کابل و ۳ سرطان نرجاراید نظر کرد قیام چند اول را یک حادثه کوچک و معلمی خواند که بقول آن را نیسو از طرف "رهبران متخصص ایران و عناصر خارجی بوطعن" برآه انداخته شده بود. اعلامیه حکومت کابل ادعای (۱۴)

کردکشا ملان حادثه بیعمکاری خود شهریان کا بل از طرف  
قوای امنیتی از بین زیرده شدند. ولی قدر مسلم این بسود  
که در همان روز حکومت لا اقل سه صد نفر را بقتل رساند.  
چنان نجہ دیده میشود قیام چند اول به هیچ صورت  
بیک واقعه محلی یا رویدادی نبود که از طرف بیک گروه  
خاص پی ریزی گرددیده باشد. ولی حکومت تفرقه انداز  
کمونستی از آن بحیثیت بیک بهنا نه برای قتل عام، هزاران  
فرد جوان هزاره کشور کار گرفته. این حکومت یک تعداد از  
جاسوسان اداره استخبارات خود را که در آن وقت «اکسا»  
یا نمیشندوا مروز آنرا خانمی گویند، بسر کرده گی عبدا لستار  
که از اهل موسی قلعه بود موظف گردانید تا جوانان هزاره  
را انعوت کند که بحیثیت مزدکار در برابر ۲۰۰۰ افغانی اجره  
در هر روز پرزووه های تعمیراتی بلجرخی در موتراهای لاری  
نشسته بمحل کار بروند. در بیک روز این مردم خون آشام ۲  
الی ۳ هزار برابر جوان هزاره، ولی گر برابر مارا بس  
ین بهایه نیز لاری ها گرد آورده آنها را بسوی کشتار گاه  
بلجرخی بردند و بقتل رسانیدند.

# شرح واقع بقسم کمی از جوانان مبارزی گه خود در قیام چند اول سهم گرفته بود.

« از روزها قبل چشم برآه آن روز بودم سرگاه ۲ سلطان سال ۱۳۵۸ تازه از خواب بسر خاسته بودم که زنگ درب خانه بمدا برآمد و کسی بسراج من آمده بود او یکی از دوستان نزدیک من وازکسانی بود که در کابل در فعالیت‌های ضد کمونستی سعی با رزو با جبهات بیرون از کابل ارتباط مستقیم داشت. برایم مژده داد که روز عمل رسیده است و ساعت ۹ صبح با پد در چاهه میوند حاضر باشیم. از خوشی در لباس‌های نمی‌گنجیدم فکر می‌کنم پرنشاط‌ترین لحظات زندگی ام فرار رسیده باشد فوراً غسل کرم و بدون آنکه حرکت غیرعادی از من سر برزند چای را با اعضا خانواده خود خوردم و از خانه بیرون خدم وقت تراز ماعت تغیین خدی به محل موئسوس و رسیدم. برادران را نهیم و باهم به رستورانی کمی متصل ماموریت پولیس چند اول بود با لامدیم. چای (۱۶)

فرمایش دایم و منتظر فرماندهی نشستیم . تازه چای  
 رسیده بود که یکی از همزمان از پائین امد و با  
 اشاره ای مارا فهماند تا از رستوران بیرون شویم .  
 پول چای‌ها را پرداختیم و با وجود تعجب‌هولی چای  
 نخوردیم با شور و شتابی زاید الوصف از رستوران بیرون  
 شدیم . ما با چهار بوتل مولوتوف کوتکتیل (بمب پترولی)  
 مسلح بودیم . این بم‌ها را دریک دستمال گل انصاری  
 بیچیده بودیم و من آن را در دست داشتم . دسته  
 جمعی با نعره <sup>الله</sup> اکبر بما موریت بالاشدیم و با  
 استقبال برادران پولیس روبرو شدیم . شعارها و  
 عکس‌های ترکی را از دیوارها کندهیم . درین میان  
 برادران با احساس‌ما موریت پولیس با سور اسلامی سلاح  
 کوترا بروی ما گشودند و ما را با تفنگچه و ماشین‌دار  
 خفیف و مرمی مسلح ساختند . بخاراط تامین امنیت  
 داخلی یک تعداد از پولیس‌ها تیرا که غیر عادی و مشکوك  
 بنظر می‌خوردند دریکی از اطاق‌های ما موریت محبوس  
 کردیم ولی یک تعداد از برادران پولیس بسیار صنیما نه  
 با ماهکاری نمودند ، یکی ازان‌ها زخمی شد عملیات

(۱۲)

را که ساعت ده روز شروع کرده بودیم ادامه داد یسم.  
 دو عراوه تازگ از مقابله ماموریت با بیرق های سفید  
 صلح و همبستگی گذشتند و این بوای ما قوت قلبی بود.  
 چند لحظه نگذشته بود که شر تازگ دیگر آمدند و —  
 ما موریت را نرم حاصره کشیدند و متعاقب انها یک  
 هلیکوپتر توپدار رسید که در هوا بر فراز ما موریت قرار  
 گرفت. آتش نسته جمعی تازگها، هلیکوپترها و عساکر  
 زمینی بالای ما موریت شروع شد. مابه مقاومت  
 پرداختیم و با قدرت ایمان بخدای یگانه دو ساعت و نیم  
 در مقابله قوای دولتی مبارزه کردیم. اللہ اکبر و  
 حسینا اللہ نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر ورد  
 زبان و قلب ما بود و دران لحظات بود که مرگ در راه  
 خدا (ج) را با آغوش بازولب پرخنده قبول داشتیم. آری  
 در همین وقت بود که مرگ در راه ایمان ذلیل شده بود و  
 هدف برتر از همه چیز جلوه میکرد. بلان وسیع و مکمل  
 تطبیق شده نتوانست و دوام عملیه سودی به بار نمایاورد.  
 من در طبقه سوم موظف بودم هلیکوپتر بمبی  
 انداخته و چهل پنجاه سانتی متر جلوی ام از سقف  
 (۱۸)

تا کف اتاق همه لمبید ولی د رحال بکه میلطف خسدا بسته  
ما آشیبی فرسید، نه تن از برادران کمیه  
وظیفه محا فقطت دروازه، ورودی را بعده داشتند شنیدند  
شدند. روح شان شاد و بیاد شان گرامی باد.

در این حالت مجبور بولیم تصمیم بگیریم که آیا  
مقاومت را ادامه دهیم یا تسلیم شویم.  
در صورت مقاومت اثری از هیچ یک از ما نمیماند و همه  
دسته جمعی از بین میرفتیم. در صورت تسلیم شدن  
دوامکان موجود بود:

۱- امکان داشت ما را بعد از شکنجه های زیاد از بند  
بند جدا کنند،

۲- امکان داشت بداری خدا روزی آزاد شده یا فرار کرده  
ولی صرف مجاہدین بپیوندیم، تصمیم ببریم شد که خود را  
تسلیم کنیم. زیرا درین صورت یکی از امکانات آن بود  
که باز در جهاد فی سبیل الله اشتراک کنیم، اگر  
چه امکان از بند جدا شدن زیاد تر موجود بود.

حال متعجبی بود و احتمال عجیبی. یکی از برادران صدا

کرد:

## تسلیم !

برا دران بولیس که گزیری جز تسلیم نداشتند - پیش قدم شدند . درین لحظه " کوتاه اما پرثمر به این فکر افتادیم که دروازه عقبی ما موریت را که بخانه های کاه گلی متصل بود ، و به کوچه مندوی منتهی میشد بشکنیم . این قدرت ایمان بود که ماراهنوز هم توان عمل میداد . دروازه را بدون مشکلات شکستیم واژبین فیر های مسلسل قوای دولتی که در کوچه های عقبی سنگر گرفته بودند بسلامتی و خیریت گذشتیم . از هم کاری و همبستگی مردم مؤمن و باشها متوجه اول همواره ببرخوردار بودیم . ما را در بی خانه های خود رو . در کارخانه های خود بناء دادند وهمه خطرات را بجان خریدند . سربام ها را قوای دولتی گرفته بود آنها در جستجوی ما بودند . ما بعد از وقفه های زیاد ( تقریباً دو ساعت ) با اختیاط بسیار بدر بی رسانیدیم که به کوچه مندوی بازمیشد . درب را که آخرین امکان بود با زکریم و بزبین کنله مردم از انتظار

کوردلان نا پدید شدیم و آمدن ما مورد توجه کسی قرار نگرفت.

بالاخره همه ما را با دیگر مردم در یک سرا تجارتی داخل کردند و در را قفل کردند. بعد از مدت نیم ساعت که فرصت برای مرتب ساختن لباس و شستن روی مساعد شده ما را پس از تلاشی رها کردند. در اثر این هیام که اولین عملیه نظامی در کابل بود، هزارها نفر از مردم مومن ما را بدون تحقیق و بدون دلیل به شہادت رساندند که روح شان شاد و یاد شان گرامی باد. این جنایت این از خدا. بیخبران در دنیا و آخرت بی جواب نمیماند.



B  
4.3832  
CCA  
2141

خاتمه گانگرامی !  
به منظور خدمت در نشر ثقافت، معارف و علوم اسلامی  
شورای ثقافتی جهاد افغانستان در سبکه سال ۱۳۹۲  
در اسلام آباد نایس شد و برای تحقیق یا فتن این ارمن  
عالی بیاری خلاوند متعال و همکاری حمیه همان عزیز در  
ساحات ذیل فعالیت مینماید :  
تهییه کتب درسی و رهنماهی معلم این کتب .  
تهییه کتب مهد درسی بنام دانشیها .  
توضیح مطالبی از نایر نجفه جهاد بنام رویدادها .

**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)**  
**Ketabton.com: The Digital Library**